





دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ گرایش ایران اسلامی

**بررسی علل بحران در کابینه‌های ایران از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ ش تا کودتای
سوم اسفند ۱۲۹۹ ش و نقش این بحران‌ها در روی کار آمدن رضا خان**

استادان راهنما:

دکتر لقمان دهقان نیری

دکتر حسین میرجعفری

استاد مشاور:

دکتر مرتضی نورائی

پژوهشگر:

علی آرسته

خرداد ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

چکیده

آنچه در این رساله مد نظر است پایداری به معنای استواری، توانمندی و قدرت تغییر و تحول ارگانیک، منسجم و مستقل نه فقط در بعد افزایش زمان حیات کابینه‌ها است، بلکه ماهیتاً این کابینه‌ها بایستی مستقل و استوار باشند. نهاد دولت در دوره قاجار در مقایسه با اختیارات و مسئولیت‌های پیش‌بینی شده برای آن در مرتبه پایین قرار داشت و در سایه قدرت زیاد مجلس و سیاست‌های اعمال شده از سوی بیگانگان در این دوره، عملاً نقش و عمل‌کردش خنثی و بی‌اثر شده بود. در طول ۱۴ سال ۵۱ کابینه و هر سه ماه ۱ کابینه میانگین، وضعیت خوبی را از دولت‌های اوایل مشروطیت بیان نمی‌کند، گذشته از تغییرات پی در پی و مداوم باید از بحران‌هایی که در کار کابینه‌ها رخ می‌نمود اشاره کرد. از نظر خارجی، دخالت مستقیم و بی‌حد و مرز دولت‌های استعماری از جمله دخالت روسیه و انگلیس در کلیه امور داخلی ایران و تعیین نخست‌وزیران مورد نظرشان در جهت تامین منافع و خواسته‌هایشان عملاً دولت‌ها را به عنوان بخشی از ابزارهای اعمال حاکمیت استعمار در ایران بدل ساخته بود. البته در کنار این موارد باید از تجربه نخست حکومت مشروطه و پارلمان در تاریخ ایران معاصر و مشکلاتی که به واسطه آن دولت‌ها با آن مواجه شدند اشاره کرد. چرا که با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت آن روز ایران و جایگاهش در نظام بین‌المللی بخشی از این مشکلات طبیعی می‌نمود. با کشیده شدن جنگ جهانی اول به ایران و به دنبال بحران‌هایی از قبیل آنارشیزم، گروه‌گرایی و حزب‌بازی، ترجیح منافع خصوصی بر منافع عمومی، نابسامانی همه‌جای کشور را فرا گرفت. در نتیجه اقشار و گروه‌های مختلف نسبت به نظام مشروطه بدبین گردیده و بستر ذهنی و عینی برای احساس نیاز به یک دیکتاتور فراهم آمد. در آخر رضاخان با اتکا به عوامل داخلی و خارجی و تا حدودی توانایی فردی توانست جریان حوادث را به نفع خود به پایان برساند. در این رساله سعی بر آن است که علل و علائم بحران چه داخلی و چه خارجی در طول این ۱۴ سال مورد شناسایی و معرفی گردد، برای رسیدن به این مهم، عدم ثبات سیاسی که هرگونه پیشرفت را در مراحل بعدی با مشکل مواجه کرد مورد توجه قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: انقلاب مشروطه، بحران، کابینه، انگلستان، روسیه، رضاخان.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- تبیین مسأله‌ی پژوهش و اهمیت آن ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق ۲
- ۳-۱- پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق ۳
- ۱-۳-۱- پرسش‌های تحقیق ۳
- ۲-۳-۱- فرضیه‌های تحقیق ۳
- ۴-۱- پیشینه‌ی تحقیق ۳
- ۵-۱- روش تحقیق ۴
- ۶-۱- شناخت و بررسی منابع ۴
- ۱-۶-۱- معرفی منابع دسته اول ۴
- ۲-۶-۱- منابع پژوهشی - تالیفی ۷

فصل دوم: انقلاب مشروطه

- ۲-۱- انقلاب مشروطه ۹
- ۲-۲- تضاد منافع و شکل‌گیری بحران ۱۶

فصل سوم: بررسی علل بحران در کابینه‌ها

- ۱-۳- تعریف نهاد کابینه ۲۴
- ۲-۳- دولت‌ها، برنامه‌ها و مشکلات پیش رو : (بحران مدیریت و کارایی) ۲۵
- ۳-۳- بررسی علل بحران در کابینه‌ها : (موانع تحقق شکل‌گیری حکومت پارلمانی و پایداری کابینه‌ها) ۳۴
- ۱-۳-۳- تجربه نخست حکومت مشروطه و مشکلات آن ۳۶
- ۲-۳-۳- اختلاف میان دولت، مجلس و دربار: (ناسازگاری روزافزون قوه مجریه با مقننه) ۳۹
- ۱-۲-۳-۳- تقابل سلطنت، مجلس ملی و هیأت دولت ۳۹

عنوان

صفحه

۳-۴ - بازخوانی نقش و هدف انگلستان در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.....	۱۰۴
۴-۴ - تحلیلی از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.....	۱۱۱
نتیجه:.....	۱۱۵
پیوست‌ها:.....	۱۱۷
۱- اسناد.....	۱۱۷
۲- تصاویر.....	۱۴۵
پی‌نوشت‌ها:.....	۱۵۷
منابع و مأخذ:.....	۱۷۷

در این پژوهش تلاش بر این است که علل و عوامل بحران در دولت‌های ایران از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس مطالب رساله در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل اول شامل کلیات پژوهش است. در فصل دوم ابتدا از انقلاب مشروطه سخن رفته که خود نقطه آغاز درگیری‌هاست و به دنبال آن تضاد منافی که میان طبقات شرکت کننده در انقلاب به وجود می‌آید. هر کدام از این طبقات بحران را از صافی‌های فرهنگ سیاسی خاص خود عبور می‌داد و از زاویه منافع اقتصادی خویش به تفسیر آن می‌پرداخت. اساساً از همان آستانه مشروطیت، ایران از بحران‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی رنج می‌برد که ریشه اکثر این بحران‌ها به اوایل دوره قاجار به ویژه با تحمیل دو قرارداد گلستان و ترکمنچای و عصر امتیازات باز می‌گشت.

به دنبال استقرار مشروطیت و برپایی مجلس قانونگذاری از سوی نیروهای مردمی، ائتلاف مردمی دستخوش انشعاب گردید. جدا شدن بعضی از روحانیون و بازرگانان بزرگ از ائتلاف از یک سو و مداخله نیروهای مسلح روسیه از سوی دیگر، مجلس را به تعطیلی کشانید، مشروطیت برچیده شد و استبداد قاجار بار دیگر بر سرکار آمد.

در فصل سوم که بیشترین تاکید رساله بر آن است در ابتدا دولت‌های این دوره بر اساس ادوار مجلس قانونگذاری و دوره‌های فترت مجلس، درون جداول برای مخاطب معرفی می‌شود. همچنین از مشکلات پیش روی دولت‌ها در هر دوره مجلس و دغدغه‌ها و تلاش آنها سخن خواهد رفت. در ادامه یک سری از علل و عوامل بحران را که برای اکثریت دولت‌ها در این چهارده سال عمومیت دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این دوره قدرت‌های تصمیم گیرنده سیاسی مملکت را نمی‌توان در درون قوه اجرائیه یا هیئت وزیران یافت. در دوره‌های مختلف عصر مشروطیت نیروهای اجرایی خارج از هیات دولت و تصمیم گیرندگان سیاسی واقعی را، گاه دربار و به دورانی بسیار معدود و محدود روسای دولت (نخست وزیران) و به عصری نیز قوه قانونگذاری و به زمانی دیگر با اعمال قدرت دولت‌های خارجی تشکیل می‌داده است.

در سالهای اول مشروطیت، یعنی دوران عمر مجلس اول تا استبداد صغیر ۱۲۸۷-۱۲۸۵ هر چند سلطنت مشروط به طور کلی در روش حکومت دولت‌ها اثر قابل توجهی نسبت به گذشته باقی گذاشت و مجلس اول هم تمایل شدید داشت تا قدرت قوه قانونگذاری را بر قوه مجریه تحمیل نماید، ولی از آنجا که اصل تفکیک قوا منشاء طرز تفکر و تعصب خاص در کابینه‌ها شده بود، وزیران در برابر وضع سیاسی جدید مجلس، کوشش در افزایش قدرت و بالاتر قرار دادن قوه مجریه مبذول می‌داشتند. این چنین سیاستی عدم ثباتی که خاص حکومت‌های ملی نوبنیاد می‌باشد به وجود آورد.

در دوران استبداد صغیر، نیروی تصمیم گیرنده سیاسی دربار بود و وزیران فاقد قدرت کافی بودند. اما دورانی که از ۱۲۸۸ شروع و تا کودتای ۱۲۹۹ به طول انجامید، این دوره مقارن عمر مجلس دوم و سوم و فترت‌های طولانی از سویی و دگرگونی سیاست جهانی با شروع جنگ بین الملل اول و نفوذ عوامل خارجی در ایران از سوی دیگر می‌باشد.

در فصل چهارم به شرایط و وضعیتی که بعد از جنگ اول جهانی در کشور به وجود آمد و استفاده نمودن رضاخان از این وضعیت بحرانی و حرکتش به سمت قدرت با اتکا به عناصر داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

هنگامی که کودتای سوم اسفند صورت گرفت، کشور دچار هرج و مرج بود. دولت در خارج از پایتخت نفوذی نداشت و هر بخش از کشور زیر نفوذ قدرتی محلی بود. شمال کشور را سپاه انگلستان و روسیه اشغال نموده بودند. پلیس جنوب با

همکاری قشون هندی‌ها زیر نظر انگلیسی‌ها بر جنوب حکمرانی داشت. غرب کشور را سپاه عثمانی اشغال نموده بود. در آذربایجان غربی اسمعیل‌آقا سیمیتقو شورشی بود. لرهای شورشی لرستان را تحت کنترل داشتند. راه تهران به خراسان زیر غارت یاغیان ترکمن بود. در خوزستان شیخ خزعل حکومت می‌کرد و در فارس قوام‌الملک شیرازی و قشقایی‌ها قدرت را در دست داشتند. کرمان و بلوچستان تحت نفوذ بلوچ‌ها بود و امیر موید در مازندران قدرت را به دست داشت. در خصوص جنبش‌ها و جریان‌های آزادی خواه مقارن سال‌های (۱۲۹۹-۱۲۹۸) نکته‌ی مشترک این‌که اکثر آنان که با هدف حفظ مشروطیت دست به اقدامی زده بودند در میانه راه با الگوهای تازه‌ای از حکومت و به طور مشخص با الگوی جمهوری آشنایی بیشتری یافته و زمزمه‌هایی مبنی بر ایجاد رژیم جمهوری در کشور در خلال این جریان‌ها به گوش رسید. اما در مورد این جنبش‌ها و علی‌الخصوص رهبران این جنبش‌ها نکاتی چند می‌بایست مورد تامل بیشتری واقع شود. واقعیت این است که رهبران جنبش‌های مذکور، که اکثراً خود از مشروطه خواهان برجسته و از انقلابیون فعال در جریان نهضت مشروطیت به شمار می‌رفتند، فاقد برنامه و تئوری دقیق و مشخصی که اهداف اصلی جنبش را تعیین کند، بودند.

در کودتای ۱۲۹۹، دربار بیش از پیش قدرت رهبری و اتخاذ تصمیم را از دست داد و سیاست خارجی با شروع جنگ بین الملل اول بیش از پیش در کلیه شئون ایران رخنه کرده بود بی شبهه این سیاست در تشکیل هیئت دولت و انتصاب وزیران نیز تاثیر قابل توجهی گذاشت. افزایش قدرت پاره ای از روسای دولت (سردار سپه) در این زمان، نیروی عوامل خارجی و عوامل متعدد داخلی دیگر در عین اینکه قدرت اجرایی هیئت وزیران را تضعیف می‌کرد به تدریج موجبات انقراض سلسله قاجاریه و روی کار آمدن سلسله پهلوی را فراهم ساخت.

فصل اول

کلیات و طرح تحقیق

۱-۱- تبیین مسأله‌ی پژوهش و اهمیت آن

آنچه در این رساله در مد نظر است پایداری به معنای استواری، توانمندی و قدرت تغییر و تحول ارگانیک، منسجم و مستقل نه فقط در بعد افزایش زمان حیات کابینه‌ها است بلکه ماهیتاً این کابینه‌ها نیز بایستی مستقل و استوار باشند.

نهاد دولت در دوره قاجار در مقایسه با اختیارات و مسئولیت‌های پیش‌بینی شده برای آن در مرتبه پایین‌تری قرارداداشت و در سایه اقتدار نسبتاً زیاد مجلس و سیاست‌های اعمال شده از سوی بیگانگان در مقطع مورد تحقیق، عملاً نقش و عمل‌کردش خنثی و بی‌اثر شده بود.

اولین و بارزترین شاخص بحران عدم تداوم حکومت و یا قوه مجریه است. در ۱۴ سال ۵۱ کابینه و هر سه ماه ۱ کابینه میانگین. از طرفی این شمارش استغفاهایی را که مورد قبول واقع نمیشد و با ابقاء مجدد نخست‌وزیر وقت موقتاً بحران حل می‌گردید شامل نمی‌شود. گذشته از تغییرات پی در پی و مداوم باید از بحرانهایی که در کار کابینه‌ها رخ نمود یاد کرد.

در این دوره قدرت‌های تصمیم‌گیرنده سیاسی مملکت را نمی‌توان در درون قوه اجرائیه یا هیئت وزیران یافت. در دوره‌های مختلف عصر مشروطیت نیروهای اجرایی خارج از هیات دولت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی واقعی را،

گاه دربار و به دورانی بسیار محدود نخست‌وزیران و به عصری نیز قوه قانونگذاری و به زمانی دیگر با اعمال قدرت دولت‌های خارجی تشکیل می‌داده است. آنچه بحران را شدت می‌بخشد ناتوانی دولت در حل و فصل مشکلات نیست بلکه این واقعیت تلخ است که ماموران دولت، خود ایجادکنندگان بحران هستند.

از نظر خارجی نیز دخالت مستقیم و بی‌حد و مرز دولت‌های استعماری از جمله دخالت روسیه و انگلیس در کلیه امور داخلی ایران و تعیین نخست‌وزیران مورد نظرشان در جهت تامین منافع و خواسته‌هایشان و نیز موضوع تقسیم ایران طی قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس و قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله که تحت‌الحماگی کاملی برای ایران را می‌توانست به دنبال داشته باشد، این نهاد را عملاً به عنوان بخشی از ابزارهای اعمال حاکمیت استعمار در ایران بدل ساخته بود که همگی حکایت از بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ایران و ضعف مفرط حاکمیت در عصر قاجار دارد. نداشتن اصول و چارچوب غیر شخصی که راهبرد کارها بشود شاخص اساسی‌تر و بنیانی‌تری است که بحران آن دوره‌ی جامعه‌ی ایران را به خوبی نشان می‌دهد.

در چنین موقعیتی ظهور سیاست‌مدارانی مستقل که بتوانند بیرون از سلطه آنان به تامین مصالح و منافع ملی بیندیشند بسیار دشوار بود، حاصل وارد شدن کشور به دوران جدیدی از تاریخ خود یعنی سال‌های مشروطه با مجموعه‌ای از مشکلات و گرفتاری‌ها که دیگر با این وجود نمی‌توان انتظار از مجلس و پارلمان و مشروطیت و مردم ایران داشت. به طوری که می‌توان بحران شکل گرفته در این ۱۴ سال را زائیده دوران قبل از انقلاب مشروطه دانست.

در این رساله سعی بر آن است که علل و علائم بحران چه داخلی و چه خارجی در طول این ۱۴ سال مورد شناسایی و حدالامکان معرفی گردد برای رسیدن به این هدف، عدم ثبات سیاسی که هرگونه پیشرفت را در مراحل بعدی با مشکل مواجه کرد مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱-۲- اهداف تحقیق

هر تحقیق علمی در پی ارائه‌ی شناخت‌های جدید و گشودن چشم‌اندازی تازه در چارچوب موضوعی و زمانی رشته‌ی مورد نظر است که اهداف اصلی این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

- تاثیر واگذاری امتیازات در دوره ناصرالدین شاه و نقش انقلاب مشروطه در وضعیت بحرانی این دوره.
- نقش عوامل داخلی در بی‌ثباتی و تغییر سریع کابینه‌ها.
- روشن نمودن نقش بیگانگان (روسیه و انگلستان) در وضعیت بحرانی و عدم ثبات کابینه‌ها.

- چگونگی روی کار آمدن رضاخان به دنبال این بحران‌ها.

۱-۳- پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

۱-۳-۱- پرسش‌های تحقیق

- آیا می‌توان این دوره ۱۴ ساله را به عنوان یک دوره بحرانی در نظر گرفت؟
- نقش عوامل داخلی در بی‌ثباتی و تغییر سریع کابینه‌ها به چه شکل بود؟
- بیگانگان در به وجود آوردن بی‌ثباتی و بحران در این دوره چه نقشی را ایفا کردند؟
- آیا روی کار آمدن رضاخان در جهت تامین منافع دیگران بود؟

۱-۳-۲- فرضیه‌های تحقیق

- با وجود عدم ثبات در کابینه‌ها (در طول ۱۴ سال تشکیل ۵۱ هیات دولت و هر سه ماه ۱ کابینه میانگین) می‌توان از این دوره به عنوان دوره‌ای بحرانی یاد کرد.
- تجربه نخست حکومت مشروطه، بحران مالی و اقتصادی بازمانده از دوره ناصرالدین شاه، تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی و اختلافات بنیادین میان شخص شاه، مجلس و دولت زمینه را برای ورود کشور به یک دوره بحرانی فراهم آورد.
- بخشی از وضعیت بحرانی این دوره و نبود ثبات در کابینه‌ها به خاطر نفوذ کشورهای بیگانه در ساختار حکومتی ایران بود.
- قدرت‌گیری رضاخان به کمک بیگانگان (انگلستان) نیز به نوعی برای پایان بخشیدن به وضعیت بحرانی در جهت تامین منافع آنها بود. البته اندیشه‌ی کودتا صرفاً و منحصرأ ساخته و پرداخته ذهن انگلیسی‌ها و آفریده تفکر آنها نبود. بلکه با شرایطی که بعد از جنگ جهانی اول در کشور به وجود آمد (نبود امنیت، خلاء قدرت و . . .) زمینه برای قدرت‌گیری رضاخان مهیا شد. جمع انبوهی از روشنفکران و سیاستمداران ایرانی بعد از این همه مشکلات، به شدت خواستار تغییرات بنیادین در ساختار اجتماعی- سیاسی کشور بودند. و به دنبال قدرت‌گیری رضاخان انگلستان حمایت از او را در دستور کار خود قرار داد.

۱-۴- پیشینه‌ی تحقیق

- ۱- ملکی (۱۳۷۰): نویسنده به معرفی کابینه‌ها از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی می‌پردازد به همراه وزرای هر کابینه. در ضمن نویسنده با معرفی هر کابینه، مختصری از حوادث و وقایع صورت گرفته در آن کابینه را شرح می‌دهد.

- ۲- ملایی توانی (۱۳۸۱): نویسنده در ابتدا از ناتوانی مجلس در استقرار نظام مشروطه سخن گفته، به دنبال آن تعامل رضاخان با مجلس چهارم و احزاب سیاسی را بیان می‌کند و در آخر هم از چگونگی قدرت‌گیری رضاخان و به تخت نشستن او و پیامدهای دیکتاتوری رضاخانی صحبت می‌کند.
- ۳- تقوی مقدم (۱۳۸۴): در این کتاب نویسنده در ابتدا از بحران مدیریت در بخش‌های مختلف کشور صحبت کرده، در ادامه از عدم سازش میان مجلس و دربار سخن می‌گوید و ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع ملی، و در آخر به قرارداد ۱۹۱۹ و زمینه‌سازی و اجرای کودتای ۱۲۹۹ اشاره می‌کند.
- ۴- آبادیان (۱۳۸۵): نویسنده در این کتاب به بررسی بحران و وضعیت اقتصادی سیاسی ایران در دوران اول و دوم مشروطیت می‌پردازد، همچنین از کانون‌های بحران سخن گفته و در ادامه مطالب به قرارداد ۱۹۰۷ می‌پردازد.
- ۵- پورآرین (۱۳۸۵): در این کتاب نویسنده به معرفی دولت‌های ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ می‌پردازد. و دغدغه و مشکلات پیش روی دولت‌ها را بررسی می‌کند.

۱-۵- روش تحقیق

این پژوهش بر اساس منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیف و تحلیل اسناد و داده‌های تاریخی می‌باشد.

۱-۶- شناخت و بررسی منابع

اعتبار یک پژوهش تاریخی مربوط به ارزش و اعتبار مآخذ تاریخی و تحلیل و ارزیابی علمی داده‌های مورد استناد می‌باشد. از آن‌جا که سند و مدرک، اساس کار یک محقق تاریخ است، شناسایی منابع اصلی راهی است تا فرآیندهای به دست آمده را محکم و استوار سازد. این بخش از پایان‌نامه بر این امر تاکید دارد. در این قسمت برخی از منابع با توجه به ارزش و اهمیتشان در ارتباط با این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۶-۱- معرفی منابع دسته اول

- یحیی دولت‌آبادی (حیات یحیی)

شاید بتوان گفت که حیات یحیی در مقایسه با دیگر کتاب‌هایی که در باب انقلاب مشروطه به چاپ رسیده، یکی از منابع معتبر، و در کنار تاریخ مشروطه ایران و تاریخ بیداری جای دارد. در این کتاب حوادث تاریخی ایران از اواسط حکومت ناصرالدین شاه تا کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و بدست گرفتن قدرت توسط وی به بی‌پرده‌ترین

شکل بیان و تحلیل شده و شاید به خاطر همین بی‌پردگی در بیان حوادث بوده که به مدت ۲۵ سال نام این کتاب در لیست کتب ممنوع انتشار قرار داشت. کتاب حیات یحیی در چهار مجلد است. البته واضح است که چون این قبیل از اسناد بیشتر جنبه خطرات را دارا می‌باشند نمی‌توانند هم مصون از دخالت برداشت‌ها و نظرات شخصی نویسنده باشند، که البته این وظیفه مورخان و صاحب نظران است که باید صحیح را از سقیم باز شناسند.

- محمد تقی بهار (تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران)

بهار این طور می‌گوید که این تاریخ را تنها برای خدمت به افکار عامه و ضبط وقایع کشور نوشته‌ام و ذره‌ای قصد انتقام یا انتقاد در نوشته‌هایم ندارم. مراد نویسنده تنها ثبت حوادثی بوده است که خود در آنها شرکت داشته و قصدش خودستایی یا مذمت دیگری نبوده و نیست و در قضایای مربوط به سیاست خارجی با کمال بی‌طرفی هر چه را حقیقت میدانسته‌ام بدون جانبداری نوشته‌ام.

این کتاب یادداشتهایی است که با مراجعه به دوره جراید و مجلات و اسناد ضبط شده در مجلس شورای ملی و اقوال مردم موثق و آنچه خود در جریان حوادث بوده و دیده‌ام ترکیب شده است و سعی کرده‌ام که حتی الامکان سلسله وقایع عمده را بهم ربط بدهم.

- نظام الاسلام کرمانی (تاریخ بیداری ایرانیان)

تاریخ بیداری ایرانیان به دستور دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران در سه بخش از روی چاپ سنگی آن انتشار یافت. بخش اول که عنوان مقدمه دارد و مشتمل است بر گزارشی از زندگی و رجال برجسته معاصر مولف و تفصیلی از وقایع مهم اواخر سلطنت ناصرالدین شاه. بخش دوم که بخش اول تاریخ بیداری ایرانیان است که شامل جلد‌های اول، دوم و سوم است در ۴۶۰ صفحه و مشتمل بر یادداشت‌های نظام الاسلام از ذیحجه ۱۳۲۲ تا اول رمضان ۱۳۲۴ است. بخش سوم شامل جلد‌های چهارم و پنجم می‌شود.

اینک دوره‌ی تاریخ بیداری ایرانیان در سه جلد و جمعا ۱۳۰۰ صفحه قابل دسترسی است. این تاریخ به تصدیق اهل فن بی‌غرضانه‌ترین و مطمئن‌ترین منبعی است برای کسانی که می‌خواهند در علل و حوادث انقلاب مشروطه ایران و وقایع آن روزگاران مطالعه کنند. مولف نه چندان در متن حوادث بوده که غرض‌ها چشم و دلش را کور کند و ترس از رسوایی‌ها یا آرزوی جا و منصب او را به توجیه واقعیات و تحریف حقایق کشاند. نه چنان سطحی و بی‌خبر بوده.

- کسروی احمد (تاریخ مشروطه ایران)

کسروی تاریخگری تحلیلی و نه توصیفی است. به گمان بسیاری کسروی نخستین تاریخ‌نگاری است که شکل و شیوه‌ی تحلیل را در تاریخ مدرن ایران باب کرد. اگر نظرهای تند احمد کسروی چندان هواخواه و هوادار جدی

در میان فرهیختگان نیافت، اما سبک و صورت کار او در تاریخ تحلیلی و تحقیق تاریخی در ایران او را به عنوان منبعی مهم تاکنون به اهل کتاب و اهل تحقیق شناسانده است. آنچه به این اثر اهمیت می‌آورد، سبک و شیوه نگارش کسروی و در حقیقت ارزش ادبی و شکلی آثار کسروی و زبان اوست. (مقدمه کتاب آقای سهراب یزدانی)

- فضلعلی آقا تبریزی (بحران دموکراسی در مجلس اول) به کوشش میرزا صالح

موضوع شایان توجهی که در یادداشت‌های میرزا فضلعلی آقا ناتمام آمده و دنباله‌اش را به روزنامه انجمن احاطه کرده تفصیل انتخاب نمایندگان آذربایجان در مجلس اول است. میرزا فضلعلی آقا گزارش روزانه فعالیت انتخاباتی را از آغاز، یعنی از ۱۲ شعبان تا ۹ رمضان ۱۳۲۴ با دقت خاص خود همراه نکته‌جویی‌های ظریف و هوشمندانه‌ای نوشته شده است. دنباله‌ی اخبار انتخاباتی را "جریده ملی" (روزنامه‌ی انجمن بعدی) با ذکر ارقام منتشر نموده است. یادداشت‌های میرزا فضلعلی آقا با این عبارت پایان می‌پذیرد. "در بدو نوشتن این وقایع روزنامه در تبریز نبود، بعد روزنامه درآمد، لذا این نوشتن متروک ماند."

- خاطرات ژنرال آیرون ساید

مجموعه‌ی حاضر حاوی دو بخش است: بخش اول ترجمه متن کامل خاطرات ژنرال آیرونساید تحت عنوان شاهراه فرماندهی است که در سال ۱۹۷۲ در لندن منتشر گردیده است و بخش دوم ترجمه دست نوشته و یادداشت‌های اصلی و منتشر نشده آیرونساید است که چند سال پیش در حین بررسی و تنظیم اسناد اردشیر زاهدی بدست آمد. بی‌تردید انتشار این سند ارزشمند یعنی دست نوشته‌های ژنرال آیرونساید در کنار متن خاطرات منتشر شده وی از سوی انگلیسی‌ها که نشان دهنده تحریف یک اثر و کتمان حقایق دال بر دخالت دولت بریتانیا در سرنوشت کشور ایران می‌باشد اعتبار و وجهه علمی دولت فخریه بریتانیا را مورد سوال جدی قرار داده است. خاطرات منتشر شده توسط خانواده آیرونساید و دولت انگلستان تحریف شده هستند.

- عبدالله مستوفی (شرح زندگانی من)

نویسنده اینطور بیان می‌کند که این کتاب یک تاریخ اجتماعی است و مقصود وی از نوشتن این کتاب تشریح اوضاع اجتماعی بالاخص روشن ساختن طرز جریان کارهای دولتی و اداری در شصت هفتاد ساله‌ی ایام زندگانیم است و چون وضع اجتماعی و اداری بخصوص قبل از مشروطه، زاده‌ی اوضاع ماقبل است به عنوان مقدمه از اسلاف خود هم خواهیم نوشت تا زمینه بدست آید و اوضاع ایام زندگی خودم بیشتر واضح گردد. اگر گاهی از کرده‌های خود، پدرم و جدم چیزی می‌نویسم برای روشن شدن یکی از اوضاع اجتماعی و یا تشریح یکی از کارهای اداری است نه خودستایی و حب اسلاف.

۱-۶-۲- منابع پژوهشی - تالیفی

- فریدون آدمیت (ایدئولوژی نهضت مشروطه)

این اثر چنان که آقای آدمیت بیان می‌کند تحقیق مستقیم بر پایه منابع اصیل تاریخی است منابعی که متنوع اند و اصلتشان ارتباط با موضوع و مقوله مورد مطالعه دارد. در این اثر هر مبحثی به مآخذ مدارک معتبر خودش مورد مطالعه قرار گرفته است. به روش انتقاد تاریخی افسانه‌ها و مفروضات تبلیغ آمیز را طرد کرده، درباره مهمترین حوادث سیاسی تحلیل و تفسیرهای تازه ای عرضه نموده و مباحث نوی که پیش از این مطرح نگشته بر کتاب مشروطیت افزود. بخشهای سوم، چهارم، پنجم و ششم کتاب مورد استفاده رساله حاضر قرار گرفته است.

- ملایی توانی (مشروطه و جمهوری)

هدف آقای ملایی در این پژوهش وقایع نگاری صرف رویدادها نیست. بلکه می‌کوشد تا با اتکا بر منابع دسته اول، به شیوه‌ای علمی، روشمند و بی طرفانه و نیز بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناسی سیاسی تحولات نظام سیاسی ایران را در فاصله سالهای یاد شده مطالعه و ارزیابی کند و بر زوایای مبهم و ناشناخته این دوره پرتو افکند. این پژوهش در سه بخش سازماندهی شده. در بخش اول کتاب که مورد استفاده این رساله است به ارزیابی و علل بسترهای نامساعد اجتماعی- اقتصادی، جدال نهادها و نخبگان و نیز مداخله قدرت‌های خارجی به عنوان عوامل اصلی ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی پرداخته.

- سیروس غنی (ایران، برآمدن رضاخان)

منابع و مآخذی را که نویسنده در این کتاب از آنها بهره گرفته اکثر تازه و در تاریخنگاری دوره مورد بحث در ایران بی سابقه است و ابتکار و پشتکار او را در ریشه یابی بسیاری از مشکلات کشور ما در قرن بیستم باید ستود. مطالب این کتاب مربوط به اواخر دوره قاجار از ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۰۵ را شامل می‌شود، یعنی اندکی پس از تاجگذاری هر چند رویدادهای مهم دوران رضاشاه تا کناره‌گیری او در ۱۳۲۰ اشاره‌ای کوتاه شده است. این کتاب سعی دارد تصویری متعادل از یکی از ماموران برجسته‌ی قرن بیستم ایران بدست بدهد.

- فواد پورآرین (انقلاب فراموش شده)

پورآرین در کتاب خود به بررسی دولت‌های عصر مشروطه تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ پرداخته و تعداد کابینه‌ها را در هر دوره‌ی مجلس شورای ملی ذکر می‌کند و برخلاف کارهای پیشین تنها به ذکر و اسامی دولت‌ها نمی‌پردازد بلکه در کنار معرفی دولت‌ها برنامه‌ها و مشکلاتی را که دولت‌ها با آن مواجه بودند را ارائه می‌دهد. کتاب

آقای پورآرین منبع خوبی برای پژوهش حاضر بوده و از مواردی که بر ارزش این اثر می افزاید تعدد منابع و اسناد دسته اول نیز است.

- سید مصطفی تقوی (فراز و فرود مشروطه)

کتاب آقای تقوی تاریخ مفصل نهضت مشروطیت نیست بلکه تنها روایتی کوتاه و فشرده از مهمترین بحران ها و کشمکش ها و تحولات نهضت مشروطیت تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ است بدین منظور که خواننده را به طرح پرسشهای تازه و ضرورت بازکاوی و آسیب شناسی تاریخ معاصر ایران برانگیزد. کتاب در هشت فصل تنظیم گردیده که فصل های دوم، سوم و شش و هشت با عناوینی چون قوای مقننه و مجریه: بحران روابط، نقش رهبران در همگرایی و واگرایی، بحران مالی، دولت ها، جنگ جهانی اول، زمینه سازی لازم برای کودتا، سازماندهی و اجرای کودتا مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته است.

- ملکی حسین (دولتمردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت)

این کتاب در دو جلد تألیف و چاپ شده است. جلد اول آن اختصاص به اعلام هویت ۱۲۴ کابینه ای دارد که از بدو صدور فرمان مشروطیت تا سقوط رژیم سلطنتی و پایان عصر مشروطیت در میهنمان تشکیل یافته است. در جلد دوم بحث عمده دوران ده ساله ی پس از کودتای ۱۳۳۲ می پردازد. هدف کتاب در وهله ی اول این است که با شواهد معتبر روابط ارگانیک فراماسون ها و آمیزه ی آن را با تداوم زنجیره خط حاکمیت "کاست فامیلی" و "نظام شبه دودمانی" در راستای هفتاد و چندساله ای که رژیمی به ظاهر مشروطه در کشور برقرار بوده است نشان داده شود و در مرحله بعد متوجه این هدف است که خواننده با تفکر منطقی و احساس هویت ایرانی به کشف انگیزه ی پنهانی و بیداری دولت ها نائل آید و رابطه ی تنگاتنگ آن را با استعمارگران دریابد و خود این امر به شناخت عمقی رویدادهایی می انجامد که در عرصه ی حیات سیاسی - اجتماعی وطنمان به عرصه ی ظهور رسیده است.

فصل دوم

انقلاب مشروطه

۲-۱- انقلاب مشروطه*

تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه ماهیت و ساختار نظام سیاسی ایران و نیز فرآیند تغییر آن چهارچوب‌های مشخص داشت و همواره نمایشگر چرخه‌های مستمر و تکرار شونده از جابجایی خاندان‌ها و سلسله‌های حکومتگر به جای یکدیگر بود. از اواسط عهد قاجار ادامه این شیوه از زمامداری به دلیل ناکارآمدی، ضعف روزافزون و فقدان مشروعیت با تردیدها و دشواری‌های فراوان روبه‌رو شد. به تدریج با آشکار شدن نشانه‌های ناتوانی آن در عرصه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه آغاز گردید.

ایران قبل از انقلاب مشروطیت، به عبارتی سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین شاه و آغاز حکومت مظفرالدین شاه، سرشار از بی‌عدالتی، اختناق، فقر و تنگدستی مادی، فقر فرهنگی و جهل و خرافه‌پرستی و خفقان بود. البته در کنار این نابسامانی‌ها، باید به فضای باز سیاسی دوران قبل از انقلاب مشروطه هم اشاره کرد که فرصت مناسب برای ایجاد یک تغییر و دگرگونی را ایجاد نمود.

در این اوضاع جهان غرب هر روز پیشرفت و ترقی می‌کرد. در این زمان به واسطه‌ی همت افرادی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی*، میرزا حسن خان سپهسالار*، میرزا ملکم‌خان*، امیرکبیر*، ثقه‌الاسلام* و... مردم ایران و حتی خود پادشاه در جریان تحولات غرب قرار می‌گرفتند.

صرف نظر از بحث اختناق و دیکتاتوری حاکم بر کشور، یکی از علل اصلی شورش مردم علیه ناصرالدین شاه، امتیازات اقتصادی فراوانی بود که وی به انگلستان و روسیه در طول این مدت واگذار کرده بود. در داخل نیز کمبود مواد غذایی و بلوای نان موجب شد در تهران و شهرهای بزرگ همچون تبریز، شهری که حرکت اولیه مشروطه از آنجا آغاز شد و خاستگاه مشروطه لقب گرفته در فاصله‌ی نه ماه پایانی حکومت ناصرالدین شاه در چند نوبت دچار شورش و ناآرامی‌های مردمی شود. به طور کلی می‌توان این طور بیان کرد که همه‌ی تحولات ریز و درشت مردم که به انقلاب مشروطه ختم یافت ریشه و علت اقتصادی داشت. (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۱۱)

در یک گزارش از سر فرانک لاسلز^۱ کنسول انگلستان در ایران که در نتیجه‌ی یک دیدار با عباس میرزا ملک آرا^۲، برادر ناصرالدین شاه در زمستان ۱۳۱۱ هـ.ق دو سال قبل از ترور شاه منتشر شده عمده‌ترین دلیل نارضایتی عمومی در کشور را کاهش ارزش پول، نبود نقدینگی، تورم و افزایش شدید قیمت ارزاق و کالاهای مصرفی مردم بیان می‌کند و علت مهم‌تر روش زشت فروش ایالات که به عنوان یکی از مصیبت‌بارترین اعمال ناصرالدین شاه می‌توان از آن ذکر کرد نام می‌برد. (گزارش سر فرانک لاسلز به لرد سالیسبوری وزیر امور خارجه چهار اکتبر ۱۸۹۲ م، شماره‌ی ۱۶۰)

در عصر پنجاه ساله‌ی ناصری معروف به عصر استبداد مطلقه و همچنین عصر بی‌خبری زمینه برای وابستگی کشور در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی فراهم شد. وقتی به دوران مظفرالدین شاه می‌رسیم شاهد وزیدن نسیم آزادی-خواهی و شعارهای عدالتخواهانه و برخورداری از حقوق مدنی می‌باشیم که زمینه‌های همین الگوهای رفتاری و فکری به انقلاب مشروطیت منتهی گردید که خود این مقوله به دنبال خود نهادها و ارگان‌هایی از قبیل کابینه، پارلمان^۲، مطبوعات، گروهها، احزاب و غیره را در سطوح فرهنگی و سیاسی جامعه پدید آورد؛ البته باید متذکر شد که شکل‌گیری نهادهای فوق‌الذکر به معنای استقرار و قابل قبول بودن آنها در عرصه اجتماع نبوده است. (نوریان، ۱۳۸۳: ۱۶)

مشروطیت اگر چه از غرب الگو می‌گرفت اما در حقیقت نخستین تلاش ایرانیان برای تغییر مناسبات قدرت و مشارکت سیاسی در چهارچوب نظام پادشاهی بود که از نظر شکل و محتوا سابقه نداشت. زیرا با این انقلاب ایران به دنیای جدیدی وارد شد که در آن قانون حرف اول و آخر را می‌زد و در میراث مدرنیته سهیم شد، استبداد سنتی که از دوران کهن نسل در نسل در روح و جسم ایرانی تنیده شده بود و به آن عادت کرده بود به مدد قانون

1- Sir.F.Laselsz
2- Parliament

مه‌ار گردید، در بستر جامعه سنتی ایران نهادها و سازمان‌های دموکراتیک با هدف حاکمیت قانون و مردم-سالاری* پدیدار گشت.

بدین ترتیب با نهضت مشروطه هم فرآیند چرخه‌ی قدرت سیاسی و هم شکل و بنیاد دولت و حکومت دستخوش دگرگونی شد. از این رو نهضت مشروطه نه فقط مهم‌ترین تحول سیاسی عصر قاجار است بلکه می‌توان آن را در زمره برجسته‌ترین رخدادهای تاریخ ایران به حساب آورد. (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۱۲)

هنگامی که نظام نوین مشروطه در جامعه سلطنتی- سنتی ایران مطرح شد، جنبش هواخواه آن گام‌های پایانی خود را پشت سر می‌نهاد و بنابراین نه تنها نسبت به نظام مذکور آگاهی چندانی نداشت بلکه فرصت تعریف و تفسیر آن را نیافت. جنبش مشروطیت خیلی زود به پیروزی رسید و به ناچار تفسیر و توضیح مولفه‌هایش با دوره تحقق عملی آن هم‌زمان گردید در حالی که مردم به آن رشد لازم برای فهم مولفه‌های مشروطیت نرسیده بودند چنانکه هر کس برای خود از مشروطه تعریفی داشت، از این رو پدید آمدن چالش‌ها و کشمکش‌های پیش‌بینی نشده اجتناب ناپذیر می‌نمود.

نه مظفرالدین‌شاه و جانشینش و نه دولتمردان و نمایندگان مردم هیچ یک از ساختار سیاسی نوین، تعریف و برداشت جامع و هماهنگی نداشتند. ساز و کار نظام حکومتی و نوپا هیچ مشخص نبود، جامعه‌ی ایرانی می‌دانست که چه نمی‌خواست ولی دقیقاً از آن چه که می‌خواست جز در یک کلیت تفسیر نشده و چگونگی تحقق نظام مطلوب خویش، چارچوب روشنی نداشت. این بود که همه‌ی هنجارهای سیاسی پیشین کشور فروپاشید، بی‌آنکه جایگزین مناسبی برای آن در نظر گرفته باشد. (پورآرین، ۱۳۸۵: ۵۳۵)

طبقات قدرتمند و پرنفوذ جامعه ایران به عنوان نیروهای اجتماعی ساخت‌های سنتی ماقبل مدرن شامل علما، بازرگانان، زمینداران، روسای ایلات و عشایر، روشنفکران و شاهزادگان معترض رهبری نهضت مشروطه را به دست گرفتند و با ایجاد یک ائتلاف سیاسی* به میدان آمدند. اینان به پشتوانه نیروی اجتماعی- سیاسی خود و نیز حمایت‌هایی که بریتانیا در پنهان و آشکار از آنها کرد سرانجام حکومت از نفس افتاده قاجار را از درون متحول ساختند، دستاورد این حرکت یک نظام پارلمانی نیم‌بند به نام مشروطه بود که هیچ‌گاه موفق به پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌هایش به صورت ایده‌آل نشد و شاید هم بتوان این حق را به آن داد چرا که در آن زمان کشور با یک بحران^۱ همه‌گیر مواجه بود و وقوع انقلاب مشروطه برای مردم ایران پدیده‌ای نو و تازه بود بنابراین از این تجربه تازه نباید انتظاری فراتر از این داشت. به دنبال انقلاب مشروطیت، تقابل میان دربار مجلس و دولت تا حدودی طبیعی می‌نمود چرا که هر کدام از این مراکز قدرت به دنبال تامین اهداف و منافع خود بودند و ما